

زبان فارسی و  
زبان‌های محلی  
و قومی دارای  
رابطهٔ دوسویه  
هستند؛ از یک سو  
زبان‌های محلی  
و قومی گنجینهٔ  
گران سنگ زبان  
فارسی هستند و  
از سوی دیگر زبان  
فارسی محملی  
برای دیده شدن و  
توسعهٔ زبان‌های  
محلی و قومی  
است.

جمهوری اسلامی ایران است که نمای بیرونی و شکل ظاهری نظام جمهوری اسلامی را در قالب زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی مشخص می‌نماید. قرار گرفتن بحث زبان فارسی در فصل دوم قانون اساسی گویای این است که اولاً مقولهٔ زبان و خط فارسی از نظر قانون‌گذار آن قدر دارای اهمیت بوده است که به صورت مستقل و به صراحت از آن یاد کند. ثانیاً با توجه به این که فصل سوم قانون اساسی به حقوق ملت اختصاص دارد، نمی‌توان بخش دوم اصل ۱۵ (بخش مربوط به زبان‌های قومی و محلی) را از منظر حق بررسی نمود زیرا اگر این مقوله از نظر قانون‌گذار حق به شمار می‌رفت، باید در فصل سوم قانون اساسی نیز حداقل اشاره‌ای بدان می‌شد. با این توضیح به نظر می‌رسد مسئلهٔ «استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس» یک آزادی است، نه حق و البته نه اصل.

### بازخوانی پیش‌نویس اصل ۱۵ قانون اساسی

در پیش‌نویس اصل مذکور در مجلس خبرگان قانون اساسی فقط عبارت زبان‌های محلی درج شده بود اما در مذاکرات عبارت «قومی» هم به زبان‌های محلی اضافه گردید. عموماً به اشتباه این عبارت به زبان‌های اقوام ایرانی تعمیم داده می‌شود؛ در حالی که رجوع به مذاکرات قانون اساسی نشان می‌دهد که این عبارت بعد از توضیح نمایندهٔ ارامنه به متن اضافه شده است. آقای خالاتیان نسبت به استفاده از عبارت «محلی» واکنش نشان داده و بیان می‌دارد: «ارامنه که جا و محل مشخص ندارند و در اینجا جایی برای زبان و خط اقلیت‌های مذهبی مشخص نشده است.» و آیت‌الله بهشتی پیشنهاد می‌کند که «اگر ما «قومی» را اضافه کنیم، تکمیل می‌شود و چیزی هم کم نمی‌شود.» لازم به توضیح است که مسیحیت در ایران صبغهٔ قومی دارد و بر این اساس است که در قوانین به ویژه تعداد نمایندگان اقلیت‌های دینی در مجلس، با وجود اشتراک دینی، ارامنه از آشوری‌ها و کلدانی‌ها تفکیک شده‌اند؛ بنابراین تعمیم عبارت «قومی» به اقوام ایرانی باروند اضافه شدن این عبارت به متن پیش‌نویس منافات دارد و قانون‌گذار، زبان‌های اقوام ایرانی را در قالب زبان‌های محلی در نظر گرفته است. لازم به ذکر است که قرار دادن این بخش در اصل ۱۵ نشان از واقع‌بینی قانون‌گذاران دارد که وجود اقوام و گروه‌های فرهنگی و زبانی مختلف در کشور را به رسمیت شناخته‌اند. این رویکرد که برگرفته از سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران در قبال اقوام و فرهنگ‌های ایرانی مبنی بر پذیرش و فرصت دانستن آن‌ها است، منبعت از واقعیت تاریخ جامعهٔ ایرانی است. مروری بر تاریخ ایران نشان می‌دهد اقوام و گروه‌های مختلف فرهنگی و زبانی در جامعهٔ ایرانی در عین آشنایی و گویش به زبان فارسی، دارای زبان اختصاصی هم بوده‌اند و هیچ‌گاه بین این دو، احساس تعارض وجود نداشته است، مگر در سال‌های اخیر و به واسطهٔ سیاسی شدن زبان‌های قومی و محلی.

### زبان و خط فارسی، زبان و خط مشترک ایرانیان

قانون‌گذار برای زبان فارسی از اصطلاح «زبان مشترک» بهره می‌گیرد. این که در این اصل زبان و خط فارسی به عنوان زبان و خط مشترک ایرانیان معرفی شده